

باسمه تعالی

دولت اسلامی در اندیشه امامین انقلاب

زینب جنیدی مقدم^۱

فاطمه احیا^۲

چکیده

برای رسیدن به تمدن اسلامی ابتدا باید مراحل دگرگونی و تحول در حوزه فردی و اجتماعی در کلام رهبری انقلاب را برشمرد، که شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، و در آخر ایجاد تمدن نوین اسلامی است. اما سوالی که اینجا مطرح می‌شود اینست که این دگرگونی و تحول چطور اتفاق می‌افتد و چگونه نوید بخش تمدنی از نوع اسلامی است، که در همه ی عرصه ها و زمینه ها نمود پیدا می‌کند؟ تمدنی که هم رشد متعالی و الهی انسان را در بر بگیرد و هم روند رشد جامعه به سوی آزادی، عدالت، استقلال و پیشرفت اسلامی باشد که همان مکتب انسان ساز است. لازمه شناخت حاکمیت و دولت مطلوب و سپس رسیدن به جامعه مطلوب، در اختیار داشتن ویژگی ها و شاخصه هایی است که بیانگر خصوصیت مورد نظر و تمایز آن از سایر جوامع باشد. مهم ترین ویژگی های جامعه مطلوب در نگاه امامین انقلاب، حاکمیت احکام و قوانین اسلامی، عدالت، آزادی و استقلال، قانون مداری، معنویت است. این پژوهش با موضوع «دولت اسلامی در اندیشه امامین انقلاب» که با استفاده از روش کیفی از نوع تحلیل اسنادی و با ابزار فیش برداری، به قلم تحریر در آمده است، درصدد پاسخگویی به سه سوال اصلی است که «ماهیت و عناصر سازنده دولت اسلامی از دیدگاه امامین انقلاب چیست؟»، «شاخص ها و مولفه های دولت و جامعه اسلامی- ایرانی مطلوب از نگاه امامین انقلاب چیست؟»، «وظایف و اهداف دولت اسلامی در قبال انسان شناسی و انسان سازی در منویات امامین انقلاب کدامند؟» می باشد.

کلید واژگان : دولت اسلامی، امامین انقلاب، تمدن نوین اسلامی، جامعه توحیدی

مقدمه

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، پژوهشگر موسسه انقلاب اسلامی، z.joneidi.m@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشگر موسسه انقلاب اسلامی، ehya.f.1990@gmail.com

زندگی بیشتر مردم در دنیای امروز به گونه ای است که هر فرد ملت و دولتی به فکر دنیای خویش است و تمام هم و غم خود را برای آبادانی زندگی شخصی و یا کشور خود متمرکز کرده است تا جایی که از حق خود تجاوز و به حقوق دیگران نیز دستبرد می زند تا خود را از دیگران برتر نمایند و یا برتری خود را نسبت به دیگران را اعلام کند و برای رسیدن به این منظور از هیچگونه تلاشی فروگذار نیست و همه کارها و رفتار خود را منطبق بر پیشرفت و تمدن دولت خود بنا می کنند و در این راستا به حقوق فردی و اجتماعی و حتی اخلاقیات و مسائل معنوی دیگران نیز دقت و توجه ندارد و فقط به مسائل مادی توجه می کند. بر همین اساس هم هست که جامعه بشری، حکومت ها و دولت های بزرگ در رأس آنها آمریکای جنایتکار است روز به روز در کنار پیشرفت در مادیات و صنعت در منجلابی از فساد ها بی حرمتی ها گمراهی ها اخلاق های دور از انسانیت غوطه ور می شوند و آنچه معنی تشکیل دولت و تمدن واقعی است را محقق نکرده اند و برای تمدن و دولت حقیقی هیچگونه الگویی تعریف نکرده اند.

بررسی دیدگاه رهبر معظم انقلاب این دانش را به ما می دهد که دغدغه رشد پیشرفت و تحقق دولت و تمدن واقعی را دارند. در همین راستا در مقاله پیش رو بر آنیم که با توجه به بیانات و رهنمودهای سازنده ایشان و الگو دهی جامع و کاربردی ای در زمینه تشکیل دولت و لزوم رسیدن به تمدن نوین اسلامی بر مبنای بینش ناب اسلام حقیقی، انسانیت و عقل گرایی گرای میانه رو که بر حسب تجربه چندین ساله مدیریت کلان کشوری و لشکری و مطالعات وسیع در زمینه های مختلف به این جمع بندی رسیده اند، را منعکس و من باب ضرورت تشکیل دولت اسلامی و آشنا ساختن جامعه بشری با اسلام ناب محمدی، و همچنین آشنا کردن آنها با شعارهای پوچ و تو خالی غرب که مدعی تمدن و متمدن بودن هستند تجدد واقعی را نشان، و علت انحطاط ها و عقب ماندگی های مسلمانان را بیان و مولفه های رسیدن به تشکیل دولت و تمدن اسلامی را بیان کنیم.

یکی از اهداف مهم در تشکیل حکومت و شکل گیری تمدن نوین اسلامی، پیشرفت است که امامین انقلاب بسیار در بیاناتشان از این واژه استفاده کرده اند.

انسجام و انضباط فکری در اندیشه ای امامین انقلاب به قدری از اصول مستحکم و مبانی متقنی برخوردار است که کمترین تناقض و تنافری در آن دیده نمی شود.

مقوله پیشرفت نیز در همین چهار چوب کلی قرار گرفته و فهم دقیق آن منوط به توجه در مبانی اندیشه ای ایشان است.

ماهیت و اهداف دولت اسلامی

اینکه ماهیت دولت اسلامی و اهداف آن چیست نکته ای است که در ابتدای بحث باید به آن اشاره کرد.

ماهیت دولت

دولت را می توان ساختی از قدرت دانست که ملت ها به منظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمینشان به وجود می آورند.^۳ هیوود، دولت را از سه چشم انداز و رویکرد ایدئالیستی، رویکرد کارکردگرایانه و رویکرد سازمانی مورد بررسی قرار داده است. در رویکرد ایدئالیستی متأثر از دیدگاه هگل، دولت تبلور «ازخودگذشتگی همگانی» است. در رویکرد کارکردگرایانه دولت مجموعه ای از نهادها است که کارکرد نظم و ثبات اجتماعی را برعهده دارند. و در رویکرد سازمانی، دولت را مجموعه ای از نهادهای «عمومی» معرفی می کنند که مسئول سازمان دهی جمعی زندگی اجتماعی اند و به هزینه عموم مردم تأسیس شده اند. هیوود مهم ترین ویژگی های دولت را حکمرانی و به کار بردن قدرت مطلق و نامحدود، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت داشتن، ابزار سلطه بودن و سرزمینی بودن برمی شمارد.^۴ نظر به اینکه در فرهنگ سیاسی ایرانی ها، بین تعریف حقوقی و سیاسی دولت تمیز قائل نشده اند، تعریف مختار نویسندگان از دولت چنین است: «دولت به معنای مجموعه نهادهای حقوقی و قضائی، دستگاه های اجرایی و کارگزاران حکومتی است که وظیفه حکمرانی بر مردم مبتنی بر قانون اساسی، به منظور تأمین منفعت عمومی را بر عهده دارد».

اهداف دولت

از آن جا که دولت ها برخاسته از نظام های سیاسی متفاوتی هستند و هر نظام سیاسی، نگاه خاصی به انسان، جهان و عالم هستی دارد؛ می توان گفت دولت ها نیز با توجه به نظام های سیاسی مختلف، تمایز می یابند. در نتیجه اهداف دولت ها از هم افتراق می یابند و هر دولتی در چهارچوب نظام سیاسی برخاسته از آن به دنبال تحقق اهداف خود است. در این میان، نظام سیاسی اسلام، اهداف و مبانی خاص خود را دارد و با توجه به همین مبانی و اصول نیز دولت اسلامی متناسب با آن شکل می گیرد.^۵

تعریف توسعه (شاخص های دولت اسلامی)

۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ص ۱۶۳

۴. هیوود، اندرو، سیاست، ص ۱۳۱

۵. عظیمی شوشتری، عباسعلی، اهداف و وظایف کلی در اسلام، معرفت سیاسی، ص ۱۰۳

به طور کلی در ادبیات توسعه، مفاهیم متعدد و متنوعی محور ایده پردازی و بیان نظریه های علمی و تبلیغی است: رشد، تکامل، پیشرفت، نوسازی و توسعه از جمله رایج ترین تعاریف در مفهوم توسعه هستند و گاه در مترادف و یا مکمل یکدیگر به کار برده می شوند. اما دو لغت پیشرفت و توسعه دو کلمه محوری هستند که بیشتر در این عرصه به کار برده می شوند.

به اعتقاد آمارتیا سن دو برداشت از توسعه میتوان یافت: برداشتی که توسعه را فرآیندی "وحشی و خشونت بار" می بیند و برداشتی که آن را فرآیندی "دوستانه" در نظر می گیرد. سن رویکرد دوم را مرجع می داند. البته نظریات جدید توسعه بیشتر به برداشت دوم نزدیکترند.^۶

بی تردید تعاریف مرتبط با توسعه تحت تاثیر نظام فکری و ارزشی حاکم بر ذهنیت افراد نظریه پرداز است که هر یک بر مبنای چهار چوب فکری خود توسعه را تعریف کرده اند.

بر همین مبنا توسعه علاوه بر میزان بهبود در فرآیند زندگی بشر و میزان تولید و درآمد، شامل تحول در ساخت های نهادی و اداری و همچنین نگرش های عمومی مردم است تا جایی که در بعضی موارد عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد.^۷ یکی از دغدغه های حضرت آیت الله العظمی خامنه ای از تعریف مفهوم پیشرفت به خاطر تاکید بر این نکته است که نباید توسعه به مفهوم رایج غربی در ذهن ها تداعی شود و آن هم به این علت است که امروز مفهوم توسعه، در اصطلاحات و سیاست جهانی و بین المللی حرف رایج و مشخصی است.

در نگاه رهبری ممکن است پیشرفتی که ما می گوئیم با توسعه وجوه مشترکی داشته باشد _ که حتما دارد_ اما در نظام واژگانی ما، باید کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه ای که در فرهنگ غربی استعمال می شود، نبایست اشتباه شود.^۸

تعاریف رهبر معظم انقلاب از پیشرفت

➤ پیشرفت یعنی حرکت به سمت اهداف^۹

۶. سن، آمارتیا، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه: حسین راغفر، تهران، سحاب، ص ۷۳

۷. جواد منصوری، فرهنگ، استقلال توسعه، ص ۱۵۱

۸. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۲۷.۲.۸۸

۹. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۲۷.۹.۷۰

➤ پیشرفت یعنی تکامل^{۱۰}

➤ حیات طیبه، محوری ترین مفهوم در تعریف پیشرفت. (این مفهوم هم در تبیین معنای پیشرفت، هم در تعیین و تشخیص مولفه ها و شاخص ها و هم در تصویر اهداف نهایی پیشرفت جایگاه ویژه ای دارد...)

➤ حیات طیبه، یعنی نیل به آرامش و آسایش^{۱۱}.

➤ حیات طیبه یعنی زندگی گوارا^{۱۲}.

➤ حیات طیبه یعنی تامین همه خیرات مورد علاقه انسان^{۱۳}.

➤ حیات طیبه یعنی سعادت دنیا و آخرت^{۱۴}.

مبانی الگوی پیشرفت اسلامی در اندیشه رهبری

مبانی هر اندیشه فلسفی و هر مکتبی، جهت دهنده به سایر ابعاد و عناصر آن مکتب می باشد. مبانی جهان بینی، الگوهای پیشرفت را هم متأثر می سازد.

مبانی هستی شناختی

رهبری انقلاب رکن اول جهان بینی اسلامی را توحید می دانند. رکنی که به همه عناصر و ابعاد حیات انسانی رنگی متفاوتی می دهد. معظم له ریشه استوار و اندیشه زیر بنای انقلاب اسلامی را جهان بینی توحیدی اسلام می دانند.

مبانی معرفت شناختی

هر جامعه و هر ملتی مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی ای دارد که آن مبانی تعیین کننده است و ما می گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب و چه نوع پیشرفتی نامطلوب است.

۱۰. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۵.۱.۷۱

۱۱. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۶۷/۱۰/۱۹

۱۲. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۳/۱/۲

۱۳. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۶۷/۴/۱۱

۱۴. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷۰/۱/۲۹

در نظر رهبری مبانی معرفتی به ما می گویند این پیشرفت مشروع است یا نا مشروع؛ مطلوب است یا نا مطلوب؛ عادلانه است یا غیر عادلانه.

به عنوان مثال در جامعه ای که تفکر سود مهر مطرح است همه پدیده های عالم با پول محک زده می شود و اندازه گیری می شوند. در چنین جامعه ای ممکن است برخی از کارهای ارزشی باشد اما در یک جامعه ای که در آن پول و سود محور قضاوت نیست همان کار ممکن است ضد ارزش محسوب شود.

مبانی انسان شناختی

پایه و اصل همه مطالبی که درباره پیشرفت باید در نظر گرفته شود، همچنین شاخص عمده و اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه این نگاه به انسان است که: انسان موجودی دو ساحتی؛ دارای دنیا و آخرت. نگاه رهبری اگر یک تمدن؛ یک فرهنگ یا یک آیین انسان را تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او با پیشرفت در منطق اسلام که انسان را دو ساحتی میداند متفاوت خواهد بود به همین علت نیز پیامبران هم زمان طالب دنیا و آخرت بودند. بنابر این نه دنیای انسان باید مغفول عنه واقع بشود به توهم دنبال گیری از آخرت و نه آخرت باید مغفول عنه واقع بشود به خاطر دنبال گیری از دنیا^{۱۵}.

مبانی ارزشی

مقوله بسیار مهمی که در مبانی ارزشی الگوی پیشرفت مطرح می شود و در نگاه رهبری قابل توجه و تامل است رابطه ارزش و پیشرفت است.

از نظر معظم له دو دیدگاه در این رابطه وجود دارد: بعضی ها وقتی راجع توسعه و سازندگی حرف زده میشود می گویند سراغ ارزش ها بروید. کانه مسئله سازندگی و توسعه ی مادی و اقتصادی کشور در درجه کم اهمیت قرار دارد. اینطور از ارزش ها اسم آورده میشود که گویا مساله ساختن کشور؛ در درجه بعد قرار دارد و اهمیتی ندارد.

در نقطه مقابل، وقتی که صحبت از ارزش ها می شود بعضی ها می گویند ما بایستی مملکت را بسازیم. اگر مملکت ساخته نشود ارزش ها را نمی توانیم در دنیا معرفی کنیم.

۱۵. آیت الله خامنه ای، بیانات؛ ۸۸/۲/۲۲

در نگاه رهبری این دو حرف هر دو درست است؛ یعنی هیچ یک از این دو حرف در واقع ردّ حرف دیگری نیست. کشور باید از تمام ابعاد مختلف ساخته شود اما در تمام این مراحل باید ارزش های معنوی در نظر باشد، که اگر نباشد آن وقت این سازندگی نخواهد توانست آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و دین و قدرت اداره یک ملت و یک کشور به وسیله احکام الهی را معرفی کند و نشان دهد^{۱۶}. همچنین عرصه های پیشرفت در نگاه رهبری به چهار عرصه اساسی از جمله فکر، علم، زندگی و معنویت تقسیم می شود که در مبسوط بیانات ایشان مکررا به آنها پرداخته شده است.

چیستی تمدن

تمدن در عربی حضاره خوانده می شود و در لغت فارسی به معنی شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده و معنی شهرنشینی با خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن می دهد و بدان معناست که بشر در سایه آن به تشکیل جامعه پرداخته و شهرنشین شده است در زبان انگلیسی نیز کلمه تمدن از کلمه *civita* که در مقابل وحشیگری قرار گرفته شده استعمال شده است^{۱۷}.

برای واژه تمدن تعاریف گوناگونی از طرف دانشمندان مختلف غربی و شرقی بیان شده است؛ به این خاطر که بیشتر این تعاریف مادی و محدود بوده و از تعریف واقعی و حقیقی تمدن دور هستند از بیان آنها خودداری شده و به جامع ترین و کامل ترین تعریف که از لابلای تعاریف مختلف می توان برای تمدن در نظر گرفت، میپردازیم: «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه ای که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است»^{۱۸}.

همچنین تمدن از نگاه رهبری انقلاب یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی و استفاده از پیشرفتهای زندگی در همه عرصه های مختلف به همراه پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسانهاست^{۱۹}.

۱۶. آیت الله خامنه ای، بیانات؛ ۷۵/۸/۶

۱۷. فخرالدین حجازی، نقش پیامبران در تمدن انسان، ج ۲، ص ۱۹ و ۲۰

۱۸. تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۳۷

۱۹. آیت الله خامنه ای، بیانات، در مراسم صبحگاه لشکر سید الشهدا، ۷۷/۷/۲۶

دولت و تمدن اسلامی

انسان سازنده تمدن است و تمدن میراثی است که از یک نسل برای نسل بعدی از خود می گذارد و نسل جدید و بر میراث نسل گذشته می افزاید بیشتر حیوانات در همان سال اول تولد به بلوغ می رسند درحالیکه رشد و نمو جسمانی و عقلانی انسان، پس از گذشت ۲۰ سال کامل می شود این طفولیت بلند مدت انسان یک ضرورت جسمی ذهنی و اجتماعی است که به او امکان می دهد زبان، اخلاق، آداب و رسوم دولت و تمدن و قوم خود را فراگیرد از این جهت می توان گفت تمدن درجاتی دارد و انسان از راه پاسخگویی به نیازهای اساسی خود تمدن را پایه ریزی کرده است. بدین روی می توان گفت که تمدن محصول توان انسان بر غلبه بر نیروهای طبیعی از طریق شناسایی قوانین حاکم بر آن از مسیر علم و دانش و امکان کنترل تصرف نیروهای آن به نفع خواسته های بشر به وسیله تکنولوژی است. این غلبه از یک سو غلبه بر تاثیرات نیروهای طبیعی در شکل گیری بعد مادی زندگی انسان و از سوی دیگر، غلبه بر ضعف انسان در تاثیرپذیری روحی و نفسانی از قلب به شرایط محیطی است. آنچه در سیره انبیا الهی دیده می شود مبنای تمدن سازی دینی است، توانمند کردن انسان در بعد دوم است که می توان به نیرومندی انسان در بعد اول نیز بینجامد و این با ارائه بینش امکان پذیر است انسان به نسبت شکوفایی و فعلیت یافتن استعداد های نهفته انسانی اش می توانند نقش عوامل محیطی را کمرنگ و خنثی کند بر اساس بینش الهی و حکمت معنوی اسلام انسان با اینکه در تاریخ و با تاریخ زیسته است از تاریخ بزرگتر است و دارای شأن و شخصیت تاریخی است که انسان را در هر دو بازی حیوانی و خلیفه الهی تعریف می کنند و بر همین مبنا دغدغه باز کردن هر دو بعد و با اصالت کردن در جهان پس از مرگ آبادی دنیوی او را به عنوان زمینه مقدمه حیات اخروی مورد توجه قرار می دهد.^{۲۰}

تجدد (شاخص های دولت اسلامی)

تجدد در لغت به نو شدن و نو گردیدن می باشد و منظور از آن نو شدن شیوه زندگی و روش کاربرد پدیده ها و نوگرایی می باشد.^{۲۱} با توجه به این معنا تجددخواه در مقابل کهنه پرست به کسی که رسوم کهنه را زیر پا

۲۰. سیر تمدن اسلامی، ص ۵۷

۲۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن: مشرق زمین، گاهواره تمدن تهران، ج ۱، ص ۵

می‌گذارد گفته می‌شود یعنی کسی که خواهان ایجاد تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و نوکردن شیفته زندگی است^{۲۲}.

و اما تجدد در نگاه رهبری انقلاب به معنی پیشرو بودن است یعنی ببینیم در کجا خلا داریم و چه کمبودهای در عرصه‌های مختلف وجود دارد در راستای این کمبودها ذهن خلاق خود را به کار بیندازیم و آن خلا و کمبود را جبران کنیم. این هفته در لباس در منش ظاهری در فکر در شیوه اداره جامعه در مسائل اجتماعی در مسائل سیاسی و کلان در همه چیز جاری است البته باید دقت داشت که این حرف مربوط به آنجایی است که عقل انسان قادر به کار کردن و قضاوت کردن است ولی از آنجایی که عقل میدانی ندارد یعنی میدان تعبد و شرع است باید متعبد بشرع ماند^{۲۳}.

پیشرفت (مهم ترین شاخص های دولت اسلامی)

وقتی گفته می‌شود پیشرفت نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی شود ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم و آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود وجوه مشترکی داشته باشد مانند روح خطر وزیری روح ابتکار اقدام و انضباط و در هر جامعه ای اینها نباشد پیشرفت حاصل نخواهد شد. آنچه ما به دنبال آن هستیم لزوما توسعه غربی نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سالهای متمادی اجرا می‌کند و آن این است که کشورهای جهان را به توسعه یافته و در حال توسعه و توسعه نیافته تقسیم می‌کنند در وهله اول انسان خیال می‌کند توسعه یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است نظر آنها در درجه اول و به عنوان مهمترین رکن عبارت است از پیشرفت در ثروت و علم و پیشرفت نظامی^{۲۴}. توسعه یافته و در حال توسعه هم به همین نسبت، این عناوین یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش گذاری همراه خود را دارند در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه یافته کشور غربی، با همه خصوصیات فرهنگی، آداب و رسوم، رفتار و جهت گیری‌های سیاسی، این توسعه یافته است. در حال توسعه یعنی کشور که در حال غربی شدن است؛ توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده در حال غربی شدن هم نیست در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است. اگرچه در مجموعه رفتار کارها شکل و قواره کشورهای توسعه یافته غربی نکات مثبتی وجود دارد و گاهی هم بسیاری از اندوخته‌های آنها استفاده می‌کنیم.

۲۲. همان، ص ۲۸

۲۳. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۴/۳/۵

۲۴. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۹۱/۷/۱۹

در منطقه اسلامی پیشرفت ابعاد بیشتری دارد از جمله، پیشرفت در علم اخلاق عدالت رفاه عمومی اقتصاد عزت و اعتبار بین‌المللی استقلال سیاسی و حتی پیشرفت در عبودیت و تقرب به خداوند که در انقلاب این جزو اهداف نهایی محسوب می‌شود. در این پیشرفت که مورد نظراست هم دنیا ملحوظ شده هم آخرت، اسلام به ما آموخته که دنیا را برای آخرت نباید ترک کرد همچنان که آخرت را نباید فدای دنیا کرد لذا مجموعه غربی شدن یا توسعه یافته به اصطلاح غربی مطلقاً مورد قبول رهبر انقلاب نیست.

اما نکته دیگر اینکه پیشرفت برای همه جوامع عالم یک الگوی واحد و یک معنای مطلق ندارد شرایط گوناگون شرایط تاریخی جغرافیایی و جغرافیای سیاسی شرایط طبیعی شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی در ایجاد مدل‌های پیشرفت اثر می‌گذارند ولذا پیشرفت در کشور ما با شرایط تاریخی جهان شرایط جغرافیایی، اوضاع سرزمینی، وضع ملت، آداب و فرهنگ و با میراث ما الگوی ویژه خود را دارد که لازمه جستجو کنید و الگویی را پیدا کنیم که همخوان با این پیشرفت اسلامی باشد.

اما نکته بعدی این است که مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تاثیر دارد هر جا و هر ملتی مبانی معرفتی مبانی فلسفی مبانی اخلاقی خود را دارد که مبانی تعیین کننده پیشرفته آن جامعه است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است؛ ما مبانی معرفتی و اخلاقی اسلامی خودمان را داریم که مبانی اروپایی متفاوت است، اروپا در دوران قرون وسطی سابقه تاریخی مبارزات کیسا با دانش را دارد انگیزه‌های عکس العملی و واکنش رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت لذا مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نا مشروع، مطلوب است یا نا مطلوب عادلانه است یا نا عادلانه. بنابراین مبانی معرفتی مبانی اخلاقی و تفکرات اصول فلسفی در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین کننده است.^{۲۵} یکی از مهمترین راهکارها برای پیروز شدن بر مشکلات و پیشرفت افزایش تولید ملی کار و سرمایه ایرانی است که گرانی و بیکاری را از بین می‌برد تولید این را افزایش می‌دهد اشتغال به وجود می‌آورد سرمایه های ملی را به کار می‌اندازد و روحیه استغنا ملت ایران را تقویت می‌کند.^{۲۶}

انحطاط

کلمه انحطاط در لغت نامه دهخدا به معنای رو به نشیب رفتن، خراشیده فرو ریخته شدن است و دراندیشه

۲۵. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۸/۲/۲۷

۲۶. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۹۱/۷/۱۹

رهبر معظم انقلاب مصادیقی را برای انحطاط آمده است. اجمالا می فرمایند اگر مسئولان و کارگزاران رفاه و آزادی را هدف عمده خویش قرار بدهند و در این راه حاضر به چشم‌پوشی از آرمان‌های انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام های جهانی انقلاب شود روز انحطاط و زوال همه امیدها خواهد بود^{۲۷}.

جایگاه تمدن و دولت اسلامی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب

یکی از دغدغه‌های اصلی رهبر معظم انقلاب بحث پیشرفت و تمدن و دولت اسلامی است، به گونه‌ای که بسیاری از پیشرفت‌ها در دولت‌ها و تمدن‌های غربی و شرقی را مورد نقد قرار می دهند و برای این منظور مبانی اسلامی دولت و تمدن را به صورت تشریحی در بیانات خود ارائه می دهند و می فرمایند تمدن اسلامی باید در همه عرصه‌ها و زمینه‌های اجتماعی نمود پیدا کند این نظریه به گونه‌ای است که اگر بنا باشد جامعه‌ای را متمدن بنامیم باید از همه جهت متمدن باشند نه فقط در صنعت و مسائل هنری بلکه از لحاظ معنوی باید رشد و روح خداشناسی و توحید در همه عرصه‌های جامعه حکم فرما باشد.

به این منظور جایگاه تمدن در منظومه فکری رهبری انقلاب به این گونه است که تمدن به عنوان روند رو به رشد جامعه باید پایبند به اصول اسلامی باشد. اصول اسلامی عبارت است از توحید عدالت انصاف با مردم ارج نهادن به حقوق مردم رسیدگی به حال ضعفا، ایستادگی در مقابل جبهه‌های ضد اسلام

پس تمدنی و دولتی که در حال شکل‌گیری در یک جامعه اسلامی است باید در عرصه‌های فرهنگی سیاسی اجتماعی و نظامی با یکدیگر هماهنگی داشته باشند و اگر این مبانی صحیح و با روح خدا باوری در بین مردم رشد کند و همه با هم همت مضاعف داشته و در عرصه‌های صنعتی هم اتحاد یکدیگر را حفظ نماید این تعاملات به گونه‌ای می‌شود که با یکدیگر نظام تمدن اسلامی و دولت اسلامی پایه‌گذاری می‌کنند. تمدن و دولت اسلامی در منظومه فکری رهبر انقلاب به عنوان یکی از اهداف مهم اجتماعی که به دنبال نظام‌های اجتماعی تحقق یابد و به شدت بر نظام ارزشی و نظام بینشی اسلامی مبتنی است. خداشناسی و انسان‌شناسی و جامعه مطلوب و ارزش‌های اسلامی نقش موثری در چیرستی و گستره تمدن و دولت‌سازی دارند.

انواع دولت و تمدن

۲۷. آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۶۸/۴/۱۹

تمدن و دولت را می توان به دو دسته ی کلی تقسیم نمود. تمدن مادی و معنوی و تمدن غربی و اسلامی که در ادامه به شرح انها می پردازیم.

(۱) تمدن و دولت مادی و معنوی

تمدن و دولت مادی و معنوی باید توأم با هم باشد و اگر مبنای تمام پیشرفت جامعه مادی باشد همه چیزرنگ و بوی دنیا می گیرد معیار ارزش گذاری در فرهنگ تمدن و دولت مادی عبارت است از قابلیت تبدیل هر چیزی به پول، در دنیای مادی گری کنونی انسان ها مثل گرگ باید از آن بترسند^{۲۸} تمدن مادی غرب همه را به مادی گری سوق می دهد و پول شکم شهوت بزرگترین همت ها شده و می شود و بلاخره صفا و یکرنگی و گذشت و ایثار در بخش های عظیمی از عالم جای خود را به نیرنگ و توطئه و حرص و بخل و دیگر خواهی زشت داده و می دهد. تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شده است. و این را از خطای بزرگ کسانی می دانند که در غرب تمدن و حرکت علمی و صنعتی را شروع کردند به علم اهمیت دادند اما با معنویت به جنگ و برخاستند لذا این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند انحرافش نیز بیشتر می شود.

خودشان و همه بشریت را با میوه های زهرآگین خود تلخکام می کنند^{۲۹} تمدن و دولت مادی و اهمیت دادن به منافع خود، چشم پوشی کردن از منافع دیگران یکی از چیزهایی که در نتیجه تفکیک علم و سیاست از معنویت و اخلاق در اروپا اتفاق افتاد جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه های تلخ بود. کمونیست و حکومت های اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه ها و میوه های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بودند. ویران شدن کانون خانواده سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه داری افراطی همه نتایج همان تفکیک است. این نتایج با طور قهری به دنبال آن است تا معنویت از دستگاه سیاست حذف شود. در گذشته حکام و مستبدین و دیگر دیکتاتورهای دنیا در شرق و غرب عالم از این کارها می کردند اما وقتی نام ها و شعارهای زیبایی مثل حقوق بشر حقوق انسان ورای انسان و برای اروپایی ها شناخته شد و پا در جاده علم گذاشتن دوری از معنویت نگذاشت اینطور شعارها آنطور که باید به وقوع پیوندند^{۳۰}.

۲۸. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷۶/۲/۳

۲۹. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۳/۳/۱۴

۳۰. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۳/۳/۱۴

در جوامع پیشرفته غربی هرچه پیشرفت بیشتر باشد دوری از سلاح و انسانیت و عدالت هم بیشتر است اوج تمدن مادی از لحاظ علم و ثروت و قدرت نظامی و تلاش سیاسی و دیپلماسی را امروز در آمریکا می‌توان دید آمریکا کشور دارای ثروت و قدرت افسانه‌ای نظامی و تحرک سیاسی فوق العاده؛ اما اوج دوری از انسانیت و معنویت اخلاق و فضیلت را هم در همین جامعه آمریکایی می‌بینیم که قبل از این دوره هم در جامعه دیگری دیده نشده است امروز منفورترین کارهای بشری اخلاقی جنسی و اجتماعی در همین جامعه پیشرفته و جوامع نظیر آن به شکل قانون و عرف معمول در آمده است اگر چه گناه در همه جوامع بشری وجود دارد اما گناهی که عرف و قانون بشود و برای آن سرمایه‌گذاری و از آن دفاع شود انحرافی بی‌نظیر است وقتی رگه‌های هدایت معنوی و جریان متنفذ فرهنگی سالم در جوامعی غایب بود نتیجه بهتر از این نخواهد داشت؛ اینکه گفته می‌شود اسلام‌گرایان روشنفکر و روشن‌بین با تمدن غربی مخالف اند؛ خود معاندان غربی نعل واژگون می‌زنند وانمود می‌کند اینها با علم و پیشرفت مخالفاند در حالی که مخالفت با تمدن غربی توسط کسی که به اسلام ایمان دارد به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه با خرافات و علمی کردن همه روابط اجتماعی نیست، به خاطر خلع معنویت و فضیلت در این مجموعه است که آنها ساخته اند^{۳۱}.

کشورهای غربی از طریق علم، ثروت بی‌اندازه کشف کرده و به دست آوردن از ثروت‌های زیرزمینی و منابع خدادادی حداکثر استفاده را کردند به فضا رفتن به اعماق اجسام پی‌بردن با همین استعمار و کشتارهای گوناگون جهانی را راه انداختند اروپایی‌ها میلیون‌ها انسان را در قرن اخیر و در جنگ‌های مختلف و حوادث گوناگون کشتند؛ اما علم بدون هدایت و فضیلت و معنویت و انسانیت و علم ناظر فقط به دنیا و چشم پوشی از آخرت نتیجه اش این است که اول جلوه ای به زندگی می‌بخشد و قدرت و ثروت و زیبایی می‌دهد اما آخر کار وحشی‌گری اخلاقی جوامع متمدنی و متمدنی که از معنویت بویی نبرده اند روز به روز بیشتر می‌شود.

دولت اسلامی و در نتیجه آن تمدن اسلامی در زمان خود جز تمدن‌های درخشان تاریخ بوده که امروز هم نشانه‌هایش وجود دارد. امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان به خصوص ملت ما که از مدنیت روز بهره مند می‌شوند و از دانش روز استفاده و در تحصیل آن کوشش می‌کنند در هر جایی که کوشش کنند پیشرفت‌های بسیاری هم به دست می‌آورند متدین هم هست منافاتی هم با هم ندارد^{۳۲}.

۳۱. همان

۳۲. آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۸۴/۱۱/۱۴

پس ما در دولت و تمدن اسلامی این را هدف گرفته ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم این که دنیای غرب نسبت به پابندی ما به معنویت حساس است در دینداری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقمندی ما به مبانی اخلاقی انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند به خاطر آن است که این روش ضد روش آنهاست. آنها علم را پیش می‌برند اما جدای از اخلاق و معنویت، ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنانکه مرکز علم است مرکز دین و معنویت هم هست؛ خروجی داده‌های کشور مثل خروجی حوزه‌های علمیه باید دیندار بیرون بیایند و این همان چیزی است که آنها آن را نمی‌پسندند و نمی‌خواهند، ولی ما به دنبال آن هستیم و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم.^{۳۳}

۲) تمدن و دولت غربی و اسلامی

بر اساس نظرات رهبر انقلاب تمدن اسلامی باید در مواجهه با تمدن غربی از خود شروع کند. لذا در ادامه به چگونگی آن می‌پردازیم.

تمدن اسلامی

رهبری انقلاب برای بیان دولت و تمدن اسلامی و رویارویی آن با تمدن و دولت غربی اول از تاریخ تمدن اسلامی شروع می‌کند و بیان می‌دارند پدیده‌ای در تاریخ اتفاق افتاده که اگر ما بخواهیم آن را بر اساس معادلات معمولی تاریخی حل کنیم حل آن محال است و آن اینکه ملتی که در مدت زمانی؛ از اولیات تمدن بشری محروم بوده بنایی را پی ریزی کرده که بزرگترین تمدن‌های بشری را به وجود آورده و آن نهضت اسلامی است. تمدن یونان و روم قدیم اروپای امروز در اواخر قرن بیستم هنوز به آن می‌نازد و در تاریخ و تفسیرهای علمی خود آن را به رخ می‌کشد هر قدمش مترتب بر قدمهای قبلی بوده است امکان ندارد که یک تمدن عظیم دفعتاً از دل یک کویر بجوشد اما در مورد اسلام چنین شد که حتی عده‌ای سواد خواندن هم نداشتن چه رسد به اینکه سواد داشته باشند که بتوانند کتاب‌های گوناگون را بخوانند و به پیدا کردن نظر علمی منتهی شود و بعد از این نظر علمی در مسابقه بین نظرات علمی بشر رتبه بالاتری را پیدا کنند تمدنی عظیم را پی ریزی کردند.

یکی از عواملی که باعث شد در هنگام ظهور اسلام با اقبال جمع گسترده‌ای از مردم دنیا روبرو شود برخورد مسالمت آمیز رحم و مروت مدارای اخلاق مسلمانی بود که تحت تربیت اسلام رشد کرده بودند.

۳۳. آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۷۶/۶/۱۹

زمانی که در زمان خلفای راشدین اسلام توانست فتوحات زیادی داشته باشد و حتی جوامع یهودی نشین و مسیحی نشین را به خود جذب کند بسیاری از آنها با دیدن و برخوردهای بسیار خوب و حرفهای منطقی و علمی مسلمانان تسلیم در مقابل اسلام فرود آوردند و به تورات قسم خوردند که نا بحال چنین برخوردهای مناسب و انسان دوستانه ای را از جانبه احدی ندیده اند.

حتی زمانی که به کشور ایران دست پیدا کردند و توانست امپراطوری چندین ساله این کشور را فرو بریزد ملت ایران بدون کوچکترین مقاومتی تسلیم مسلمانان شده چون ظلم ستم حاکمان زمانهای قبل را هم دیده بودند و مرام و مردانگی مسلمانان را در جنگ مشاهده کرده بودند فهمیدن دین اسلام به حق است و برای بشریت رشد و پیشرفت به ارمغان می آورد^{۳۴}.

علت این بیشتر تسریع اسلام اولاً وجود خرافات و جهالت هایی بود که در سرتاسر عالم وجود داشت نه تنها در کشور عربستان و مشرکین بت پرست بلکه در بین مسیحیان و یهودیان هم خرافاتی وجود داشت که مردم را از این وضع موجود خسته کرده، از جمله اینکه عالمان و اندیشمندان را به جرم اینکه نظریه علمی می دهند مخالف دین مسیحیت می دانستند مردود می کردند به عنوان مختلفی از بین میبردند، می زدند یا سنگسار نمودند و عده زیادی را هم آتش زدن^{۳۵}.

دوم وجود ظلم و بی عدالتی و تبعیض هایی بود که توسط حکام جور به آنها رسیده بود مثلاً در ایران اعلم آموزی و درس خواندن طبقاتی داشت، برده داری همه جا را فرا گرفته بود زنان و دختران در جوامع مختلف به صورت اسف باری معامله می شدند این بود که وقتی نور اسلام تابید همه نورانیت آن را دریافتند؛ و فهمیدند که اسلام همه جوره به نفع انسان و بشریت حرف می زند و باعث رشد و تعالی دنیوی و اخروی آن خواهد بود^{۳۶}.

بعد از این تمدن اسلامی سال ها تنزل کرد تا به دوران رنسانس رسید، بعد از این تمدن غربی دوباره شروع به اوج گرفتن کرد. متنها تمدن غرب و دولت های غربی در تمام آن سالهای بعد از غلبه تمدن اسلامی مشغول

۳۴. آیت الله خامنه ای، بیانات ۸۰/۷/۱۳

۳۵. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷۸/۷/۱۹

۳۶. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۷/۸/۱۵

تغذیه از این تمدن بوده اند و برجسته ترین دانشمندان؛ دانشمندان بودند که می توانستند با آثار اسلامی سر کار داشته باشند و آنها را ترجمه کنند.

حال سوال اصلی این است که این تمدن و دولت اسلامی چگونه به وجود آمد؟

برخی می گویند از آثار ایران گرفتند و برخی معتقدند که از آثار روم گرفته شده است که این کاملاً نادرست است. حال فرض می کنیم که ده عنوان کتاب و جای ترجمه کردند ولی باید ده کتاب و ترجمه آثار یونانی و رومی و هندی تمدن اسلامی درست نمی شود؛ جوهر تمدن اسلامی از درون خودش بوده است البته تمدن زنده از دیگران هم استفاده می کند سوال این است که این دنیای آباد، این به کار گرفتن علم؛ این کشف حقایق درجه یک عالم وجود، که به وسیله مسلمین به وجود آمد، این استخدام اندیشه ها و فکرها و ذهن ها و فعالیت های عظیم علمی، و به وجود آوردن دانشگاه های عظیم آن روز در مقیاس جهانی پدید آوردن ده ها کشور ثروتمند و مقتدر در آن روزگار و قدرت سیاسی بی نظیر در طول تاریخ از کجا به وجود آمد؟ در طول تاریخ قدرتی را جز قدرت سیاسی اسلام سراغ نداریم که از قلب اروپا تا قلب شبه قاره کشور واحد شده باشد و قدرتی ماندگار بر آن حکومت کند.

دولت و تمدن اسلامی و اهمیت علم

در اسلام ضدیت دین با علم ضدیت دین با عقل، اصلاً معنا ندارد در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دین عقل است اصول اعتقادات را باید با عقل بدست آورد احکام فرعی نیز عقل یکی از حجت هاست. با مراجعه به کتب حدیثی مثل کتاب الکافی که هزار سال پیش نوشته شده اولین فصل آن کتاب عقل و جهل است که فصلی در باب عقل و ارزش و اهمیت آن و اهمیت دانایی و خردمندی است. اسلام همچنین نسبت به علم مهمترین حرکت و مهمترین تحقیق و تحلیل را داشته و تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد به وجود آمد هنوز دو قرن به طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی کشور اسلامی در آن محیط به وجود آمد اگر علمی با امروز مقایسه شود و قدرت های علمی امروز دنیا را در نظر بگیریم اصلاً قابل تصور نیست؛ این نبود مگر اینکه اسلام به علم و فراگیری آن و تعلیم دادن علم و زندگی عالمانه تحریص داشته است.

تشکیل دولت و تمدن غرب

تشکیل دولت و تمدن غرب یعنی توسعه طلبی، بدین معنی که می‌خواهند در همه جای دنیا دسترسی داشته باشند و حضور پیدا کنند و استثمار نمایند منافع ملت‌ها هر چه باشد، ولی مهم نیست منافع آنها را به خطر بیفتد و با از بین رفتن منافع ملت‌های دیگر، غرب دنیا را به انسان‌های درجه یک و درجه دو تقسیم می‌کنند آنها معتقدند که انسان‌های سفید انسان‌های اروپایی انسان درجه یک هستند و انسان‌های دیگر درجه دو اگر به نفع انسان درجه یک هرگونه جفایی به انسان درجه دو شود از نظر منطق تمدن غربی فرهنگ حاکم بر تجربه غربی و دولت‌های قبلی ایرادی ندارد.

امروز همه تلاش‌های دولت‌های غربی و فعالان تمدن غربی متوجه این نکته است که فرهنگ دانسته‌ها بافته‌ها و یافته‌های خودشان را برای ملت‌ها و ذهن‌ها تحمیل کنند؛ حرف غرب این است که می‌گوید بگذارید ما بر کشور شما مسلط شویم و منافع خودمان را تامین کنیم شما هرچه شدی شدی، اگر عقب افتاد بیفتد اگر به خاک سیاه نشست بنشیند، اگر تحقیر شدید بشوید اگر ناموس و شرف و حیثیت ملی و گذشته و تاریخ شما پامال بشود بشود، اینها مهم نیست مهم این است که مراکز قدرت یعنی آمریکا و صهیونیست‌ها به منافع‌شان برسند حرف آنها به عنوان دزدان سرگردانی و وحشی‌های دلباز متمدن این است رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید ما از انسان‌های متمدن دفاع می‌کنیم ولی چگونه دفاع می‌کنند اینها تمدن و تشکیل حکومت را چه چیزی معنا می‌کند از حمله به عراق برای نفت و این همه فاجعه آفرین را دفاع تمدن می‌گذارند یعنی خود را در دنیای متمدن می‌دانند و غیر آنها سعی می‌کنند تصویرسازی‌شان از کشورهای اسلامی و از جمله کشور ایران این چنین باشد که کشورهای اسلامی را غیر متمدن معرفی کند قدرت‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی دنیای امروز با ملت‌ها و به قول خودشان در حال توسعه هرچه از دستشان برآید نسبت به آنها انجام می‌دهد اگر ملتی در داخل کشور خودش منابع طبیعی دارد دولت‌های قلدر دنیا می‌خواهند از منابع طبیعی بیشتر از خود آنان ملت استفاده کنند، این‌ها وحشی‌های کروات بسته و ادکلن زده‌ای هستند که اسمشان متمدن گذاشته شده است.^{۳۷}

آسیب شناسی تمدن و دول غربی

در ادامه بحث می‌خواهیم به علل افول دول غرب و تمدن آن هم بپردازیم.

تاریخ تمدن و دولت‌های غربی

۳۷. آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۸۰/۲/۱۲

رهبری انقلاب وقتی در مورد تمدن و دولت های شرق و غرب حرف می‌زنند عنایت ویژه به تمدن اسلامی دارد و همیشه از تاریخ تمدن ها شروع می کنند در این مسئله هم وقتی به آسیب شناسی تمدن و دولت غربی می‌پردازند اول تاریخ تمدن و دولت های غربی قبل و بعد اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهد و بعد از آن به دستاوردها، نقاط ضعف و قوت آن اشاره می‌کند و بیان می دارند در قرون -قرون سوم و چهارم و پنجم و ششم میلادی -تمدن غربی تمدن برتر بود و تمدن شرقی منقرض شده بود تمدن ایرانی هم در واقع چیزی نبود، ولی می بینیم که تمدن اسلامی آن تمدن غربی را از بین می‌برد به این معنا که تمدن غربی در مقابل این تمدن ؛ منقرض شده مثل ستاره ای که با آن خورشید دیگر ندارد وقتی که تمدن اسلامی آمد چنین شد واقعیت این است که همه چیز اروپا در مقابل تمدن اسلامی رنگ باخت و این تا قرن های چهارم پنجم و ششم هجری ادامه پیدا کرد البته بعد از آن تمدن اسلامی سالها تنزل کرد تا به دوره رنسانس رسید^{۳۸}.

استفاده از علوم مختلف بدون معنویت

تشکیل دولت و تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شده این خطای بزرگ کسانی بود که تمدن و حرکت علمی و صنعتی را در اروپا شروع کردند. به علم اهمیت دادند اما با معنویت به جنگ برخاستند این بد و انحراف بود^{۳۹}.

غرب در علم مشکلی نداشت از طریق این علم ثروت بی اندازه به دست آورد و ثروت های زیرزمینی و منابع خدادادی حداکثر استفاده را کردند؛ به فضا رفتند؛ به اعماق اجسام پی بردند، در پیشرفت علمی کار زیادی کردند و این علم برای به دست آوردن ثروت قدرت و سیاست همه چیز حداکثر استفاده های مشروع و نامشروع را کردند با همین استعمار کردن کشتار های گوناگون جهانی کردند اروپایی ها میلیون ها انسان ها در قرن اخیر در جنگ های مختلف و حوادث گوناگون کشتند؛ اما علم بدون هدایت فضیلت معنویت و انسانیت، و علم ناظر فقط به دنیا و بدون آخرت نتیجه همین است که یک جامعه پیشرفته علمی صنعتی مدنی پر ادعا و مدعی بشیریت وقتی رگه های هدایت معنوی و جریان متنفذ فرهنگی سالم در جامعه غایب بود نتیجه ترویج همه جانبه ی حیوانیت در سطح جامعه می شود گناه بزرگ تمدن و دولت غربی همین بود^{۴۰}.

۳۸. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷/۶/۷۳

۳۹. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۳/۳/۱۴

۴۰. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۳/۳/۱۴

مبارزه با ادیان از طریق ایجاد فحشا

راه مبارزه ساده و آسان با ادیان این است که راه عنان گسیختگی و مهار گسیختگی شهوت را باز کنند یکی از راه‌هایش که جزو مهمترین کارها بود- کشف حجاب بود- یکی دیگر راه‌هایش رواج می‌خوارگی بود، راه دیگر این است که رابطه محدود زن و مرد ر بشکند. این جزء کارهای تجربه شده است. وسایل جدید علمی و پیشرفت‌های تمدن- مثل سینما رادیو و تلویزیون و امثال اینها آنها این امکان را میداد که آسان‌ترین کارها در جامعه انجام بدهند، امروز بسیاری از ملتها و انسان‌ها در گمراهی اند. در همین دنیای مادی چقدر اسیر نفس اند. امروز در همین دنیا به اصطلاح متمدن چقدر جوان وجود دارد که مثل یک حیوان هیچ چیزی جز حوایج پست مادی شخصی خودش نمی‌فهمد بعد از این چیز دیگری نیست انسان است که هدفی را منطبق با عقل و احساسات پاک و صحیح می‌شناسد با همه وجود دنبال آن حرکت می‌کند و موانع را از سر راه خودش برمی‌دارد در آمریکا و اروپا و کشورهای زیرستم از این گروه جوانان زیاد هستند همان کاری را که آندلس در قرن های گذشته کردند، یعنی جوان را به فساد و شهوترانی می‌گساری مشغول کردند البته این کارالان هم انجام می‌گیرد^{۴۱}.

عدم ایجاد آرامش برای طرفدارن خود

دانشمندان، متفکرین، انسانهای با وجدان، روشنفکران و جوانان بخش های حساس پیکری جوامع غربی هستند. این بخش های حساس امروز تشنه مکتب و درسی از زندگی هستند که آنها را از هزاران دشوای واقعی زندگی نجات دهد. بسیاری از این مشکلات زندگی مشکلات واقعی نیست مشکل واقعی احساس ناامنی روحی؛ تنهایی، افسردگی و عدم اطمینان و آرامش روحی است اینها مشکلات واقعی بشراست که در اوج ثروت و شهرت یک نفر را به خودکشی وادار می‌کند جوان پولدار و دارای امکانات تنعم و بهره‌برداری از زندگی است خودکشی می‌کند چرا؟ درد چیست؟ کدام درد است که بی پولی و نداشتن امکانات تمتع جسمانی ولذایذ جنسی هم سخت‌تر است؟ دردی که امروزه گریبان جوامع ماده دنیا و دولت‌های غربی را گرفته است عدم اطمینان؛ عدم آرامش عدم نقطه اتکای روحی، عدم انس و تواصل بین انسان‌ها احساس غربت و انکسار است^{۴۲}.

تحمیل یافته های خود بر ملت ها

۴۱. آیت الله خامنه ای، بیانات؛ ۷۰/۱۱/۱۸

۴۲. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷۴/۳/۳

امروز واز سال‌های قبل همه تلاش دولت های غربی و فعالان تمدن غربی متوجه این نکته است که فرهنگ، دانسته ها، بافته ها و یافته های خودشان را در ذهن های افراد و ملت گوناگون دیگر تحمیل کنند.^{۴۳}

مولفه های رسیدن به دولت و تمدن اسلامی

اینکه چگونه می توانیم به تمدن اسلامی دست یابیم و علل لزوم تحقق این مهم چیست یکی از مسائلی است که باید به آن پرداخته شود.

لزوم رسیدن به دولت و تمدن اسلامی

یکی از هدف‌های و دغدغه‌های رهبری انقلاب توسعه پیشرفت و تمدن سازی همه جانبه کشور می باشد پیشرفتی که پایه و اساس آن رضایت خدا را و در راه رسیدن به خداست و در راه رسیدن به این پیشرفت باید از همه قوا استفاده کرد، و تلاش مادی را به قصد قربت انجام دادن است که این تلاش و کوشش را عبادت قطعی می‌داند و باید امروزه در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است در تبلیغات گذشته کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آنقدر مبالغه شده که اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که به علوم حیات دست پیدا کنیم می بینید که در دل‌های حالت ناباوری به وجود می آید، این نکته حائز اهمیت است که این پیشرفت مایع احساس افتخار ما خواهد بود به گونه‌ای که ما باید به پیشرفت اسلامی ایرانی فکر کنیم و فکر آبادانی و رشد سرزمین خود از طریق داشته‌ها و اندوخته های خود باشیم تا به تمدن ایرانی اسلامی نزدیک شده و از همه مردم جهان هم جلو بزنیم و این امر با تلاش های مادی و معنوی هر دو امکان پذیر است.

در قضیه مشروطه، آن خط انگلیسی ماجرای مشروطه حرف و شعارش ترقی خواهی توسعه و پیشرفت بوده همان کسانی که رهبران مشروطه را نابود کردند.

شیخ فضل الله را به دار کشیدن و آیت الله بهبهانی را ترور کردند ستارخان و باقرخان را غیر مستقیم به قتل رساندند و خلع سلاح کردن رهبران صادق مشروطه را زیر بار فشار قرار دادند و یک عدد افرادی را که وابسته به غرب و سیاست‌های استعماری بودند با نام مشروطه خواه بر مردم مسلط کردند شعار آنها هم ترقی خواهی بود آنها می‌گفتند پیشرفت و تحول و زیر این نام خیانت های بزرگی انجام گرفت و ضربه‌ای به این ملت کشور

۴۳. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۸/۲/۲۶

زده شد که جبران ناپذیر است رضا خان با شعار ترقی و اصلاح سر کار آمد، کودتا کرد بعد هم آن دیکتاتوری سیاه و بی نظیر که همه تحت عنوان ترقی زیر پرچم پیشرفت و توسعه توسعه انجام گرفت محمدرضا پسرش هم ادعای حرکت اصلاحی داشت که آن هم حکومت موروئی و بعدهم کودتا در مرداد ۳۲ را راه انداخت و این همه فاجعه برای کشور به وجود آوردند.

آنچه که موجب می شود ما الگوی غربی را برای پیشرفت جامعه خودمان ناکافی بدانیم در درجه اول این است که نگاه جامعه غربی و دولت های غربی و فلسفه های غربی به انسان با نگاه اسلام به انسان به کلی متفاوت است لذا پیشرفت که برای انسان به وسیله انسان است در منطق فلسفه ی غرب معنای دیگری پیدا می کند پیشرفت از نظر غرب پیشرفت مادی است محور سود مادی هر چه سود مادی بیشتر شد پیشرفت بیشتر شده است یعنی افزایش ثروت و قدرت در راس امور است این معنای پیشرفتی است که غرب به دنبال آن اوست پیشرفت وقتی مادی شد معنایش این است که اخلاق و معنویت را می شود در راه چنین پیشرفته قربانی کرد یک ملت به یک پیشرفت دست پیدا می کند و اخلاق و او از بین می رود اما از نظر اسلام پیشرفت این نیست البته پیشرفت مادی مطلوب است اما به عنوان وسیله، هدف رشد و تعالی انسان است.

پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می شود باید طوری برنامه ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد تعالی برسد انسان در آن تحقیر نشود. هدف انتفاع انسانیت است نه طبقه ای از انسانیت، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می خواهیم بر اساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم برای کل بشریت و انسانیت است.

در اسلام نگاه به انسان از دو زاویه است که این دو زاویه هر دو مکمل همدیگرند این دو زاویه ای که اسلام از آن به انسان نگاه می کند یکی به فرد انسان به عنوان یک فرد استموجودی که دارای عقل و اختیار نگاه است را مخاطب قرار می دهد از او مسئولیتی می خواهد و به او شایستگی می دهد. یک نگاه دیگر به انسان به عنوان یک کل و یک مجموعه انسانی است این دو نگاه با هم مساوی و مکمل یکدیگرند.

نگاه اول که نگاه اسلام به فرد انسانی است یک فرد خطاب اسلام قرار می گیرد در اینجا انسان یک رهروی است که اگر درست حرکت کند این راه او را به خدا می رساند و اگر بخواهیم آن را تعریف کنیم در یک جمله کوتاه می شود گفت مسیر خود پرستی تا خدا پرستی، اگر انسان از خود پرستی به سمت خدا پرستی حرکت کند مسیر صحیح و صراط مستقیم را طی کرده و چه دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد از این جهت

تفاوت نمی‌کند، از این روی وظیفه هر فردی به عنوان یک فرد این است که در این راه حرکت کند» یا ایها الذین آمنو علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل..» باید این حرکت را انجاک بدهد، حرکت از ظلمت به نور و ظلمت خودخواهی به نور توحید جاده این راه همان واجبات و ترک محرمات است در این راه ملکات اخلاقی و فضایل اخلاقی آغاز و طی این راه را برای انسان آسان و تسهیل می‌کند و سرعت می‌بخشد^{۴۴}.

شاخصه های تشکیل دولت و رسیدن به تمدن ایرانی- اسلامی

برای اینکه بتوانیم به تشکیل دولت اسلامی دست یابیم موظفیم که در چند شاخصه توسعه و پیشرفت حاصل کنیم. در ادامه به شاخصه های اصلی این حوزه پرداخته ایم.

پیشرفت و تمدن در عرصه فکر

پایه اصلی تمدن بر صنعت فناوری و علم تنها قرار داده نشده است بلکه بر فرهنگ بینش معرفتی و کمال فکری انسانی پایه گذاری شده است و این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد ما در این جهت هستیم نه اینکه ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است. جامعه بایستی به سمت یک جامعه متفکر حرکت کند در قرآن آیاتی از این قبیل لقم یتفکرون، افلا یعقلون، افلا یتدبرون، زیاد وجود دارد باید جوشیدن فکر و اندیشه ورزی در جامعه به حقیقت نمایان و واضح تبدیل شود^{۴۵}.

پیشرفت معنوی عامل قدرتمند پیشرفت مادی

در تشکیل دولت و تمدن اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت تمدن حرکت می‌کند این هدف را گرفته ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم، معنویت و اخلاق باید به قدر حرکت پیش روند مادی پیشرفت کنند دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود انس با خدا انس با عالم معنا ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه ای باید رعایت شود و اینجاست که خصوصیات استعداد استثنایی جامعه، دولت و تمدن اسلامی خود را نشان می‌دهد دنیا و آخرت باید با هم ترکیب آمیختگی داشته باشند تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفته در روش‌های پیچیده مادی توفیقات بزرگ به دست آورد اما در کفه معنوی روز به روز

۴۴. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۶/۲/۲۵

۴۵. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۹/۹/۱۰

بیشتر خسارت کرد نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب به ضرربشریت تمام شد علم بادی سود بشیریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباط زوددسترس باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد انفجار نادانسته مردم شب و روز نداشته باشند آن علم برای بشریت مفید نیست دنیای غرب با پیشرفت علمی خود در این دام خطرناک افتاد، تمدن و فکر اسلامی پیشرفت مادی را می‌خواهد اما با امنیت آسایش و رفاه و همزیستی مهربانانه مردم با یکدیگر، این خصوصیات نظام اسلامی است^{۴۶}.

مدیریت قوی و از خود گذشته

کشوری که می‌خواهد تمدن و دولت اسلامی داشته باشند نیاز به مدیری توانمند دارد که همه جا از خود گذشتگی داشته باشد به این صورت که باید فردی مانند حضرت علی علیه السلام را الگو قرار دهد و از همه زندگی خود برای مردم و اعتلای کلمه اسلامی مایه بگذارد امیرالمومنین کسی است که برای خدا و در راه خدا از دوران کودکی تا لحظه شهادت یک لحظه در یک قضیه عقب نکشید دچار تردید نشد و همه وجود خود را در راه خدا به میدان آورد، وقتی که باید تبلیغ می‌کرد تبلیغ کرد زمانی که باید شمشیر در رکاب پیغمبر، شمشیر زد و از مرگ نترسید وقتی که لازم بود صبر کرد زمانی هم که لازم بود عنان سیاست را به دست بگیرد سیاست را به دست گرفته و وارد میدان شد و در همه دوران گوناگون آنچه لازمه فداکاری از آن بزرگوار بود بروز و ظهور پیدا کرد این نشان می‌دهد که برای اداره جامعه اسلامی و جوامع اسلامی و امت اسلامی معیار این هاست^{۴۷}.

عشق و ایمان همت و بصیرت

عشق و ایمان بصیرت و همت ستون‌های اصلی هستند، انسانی که ایمان ندارد محوری برای حرکت خود نمی‌تواند تصویر کند انسانی که از احساسات عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست نمی‌تواند این حرکت را ادامه دهد و استقرار بخشید انسانی که همت ندارد به کارهای کوچک، به فرازهای محدود اکتفا می‌کند چشم بر برترین قله‌ها نمیدوزد انسانی که بصیرت ندارد راه را عوضی می‌رود اگر عشق و ایمانی هم در اوست از آن در راه غلط مصرف می‌کند اگر با این عوامل حرکت کنیم همان شجره طیبه که در قرآن از آن نام برده شده می‌شود.

۴۶. آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۸/۸/۸۵

۴۷. آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۹/۹/۸۷

جوانانی با شور و نشاط

یکی از موتورهای قوی پیش‌برنده حضور پرشور و نشاط جوان هاست که باید روز به روز گسترش این روحیه در بین جوان های ما در محیط های مختلف اجتماعی بیشتر شود حرفهای یاس آلود حرف های ناشی از افسردگی که غالباً علتش هم ناامیدی افسردگی و گوینده است، همین حرف ها راه به جایی نخواهد برد^{۴۸}.

کنار گذاشتن ضد ارزش ها

مردم گروهها و اجتماعات باید از ضد ارزش ها اجتناب کنند همه جا چیزهایی هست که از نظر دین، مکتب یا تمدن و فرهنگ خاص مطرود و منفی است که باید کنار گذاشته شود در عرف شرعی و دینی به این ضد ارزشها محرمات یا امور مذموم و صفات زشت گفته می شود، همچنین در همه جا ارزش هایی هست که اگر مورد توجه قرار نگیرند و رعایت نشوند نمی‌تواند به هدف هایی که دین تمدن و فرهنگ آنها دعوت می‌کنند رسید اگر عده ای ارزش‌های فرهنگی یا دینی را دنبال کنند مثلاً واجبات و مستحبات را انجام دهند اما از محرمات خودداری نکنند به آن هدف ها نمی‌رسند^{۴۹}.

جهاد و تمدن

بعضی از افراد خیال می‌کنند که تاسیس یک کشور ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها با جهاد نمی‌سازد و جهاد ضد اینهاست در صورتی که بدون جهاد هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید، نه دنیا و نه آخرت بدون جهاد، در مقابل گرگ بی دست و پای بیابان هم نمی‌شود ایستاد چرا که گرگ های بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه های خونینی که میلیون ها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند^{۵۰}.

فرآیند تحقق دولت و تمدن نوین اسلامی

امروز دنیا تشنه حقیقت است، تشنه اسلام است دانشمندان و متفکران انسانهای باوجدان روشنفکران و جوانان بخش های حساس پیگیری جوامع غربی امروز تشنه مکتب و درس زندگی هستند که آنها را از هزاران دشواری

۴۸. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۹/۶/۳۱

۴۹. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷۴/۱/۱۳

۵۰. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۷۷/۷/۲۶

واقعی زندگی نجات دهد بسیاری از این مشکلات زندگی مشکلات واقعی نیست مشکل واقعی احساس ناامنی روحی تنهایی افسردگی تزلزل و عدم اطمینان و سکینه روحی است اینها مشکلات واقعی و شر است که در اوج ثروت و شهرت یک نفر را به خودکشی وادار می کند جوانان پولدار و دارای امکانات متنوع و بهره‌بردار از زندگی خودکشی می‌کند. که امروز گریبان جوامع دمیایی و مادی و تمدن غربی را گرفته است؛ عدم اطمینان، عدم آرامش عدم نقطه اتکای روحی عدم احساس انس و تواصل، احساس غربت و تنهایی و انکسار است و همه اینها به خاطر دور بودن از اصل حقیقت خویش و اسلام واقعی است.

اگر کشوری بتواند در میدان تحرک و پیشرفت مادی به موفقیت هایی دست پیدا کند و توانست علم و فناوری و صنعت پیدا کند و یک سیاست بین المللی و یک دیپلماسی قوی پیدا کند و اقتصاد جامعه را سر و سامان دهد و همچنین اگر توانست از منابع عظیم ثروت در زیر زمین و روی زمین اعم از معدن و کشاورزی و امثال اینها استفاده کند و از سرزمین وسیع و متنوع خدادادی آن استفاده کند اگر توانست با معیارهای پیشرفت جهانی و مدنی خودش را همراه کند اولین کشور و دولتی خواهد بود که توانسته است پیشرفت مادی را در زیر روشنی چراغ برافروخته فضیلت و معنویت به دست آورد این یک تمدن و جدید است و در تاریخ بی سابقه خواهد بود^{۵۱}.

امروز دروازه آسیا به اروپا، دروازه اروپا و آسیا به آفریقا، آفریقا به اروپا و آسیا متعلق به مسلمانان است این مناطق سوق الجیشی و سرزمین های با برکتی است که امروز حامل حاوی امکاناتی چون نفت گاز و امثال اینهاست که بشر برای تمدن خود به صورت روزمره به آن احتیاج دارد همه در دست مسلمانان می باشد آن هم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب این منطقه، یعنی در ایران اسلامی که امروز قلب و مرکز اصلی دنیای اسلام است وقت آن رسیده است که دنیای اسلام به خود آید و اسلام را به عنوان صراط مستقیم الهی و راه نجات انتخاب کند و در آن با استحکام قدم بردارد اتحاد خود را حفظ کند شعارهای واحدی بدهد تبلیغ واحدی بکند و راه واحدی را بپیماید این را بهتر می دانیم که یک فرایند بزرگی در حال شکل گیری است زیرا افق در پیش چشم امت اسلامی امروز از همیشه روشن تر است و امید برای رسیدن به هدف هایی که اسلام برای فرد و جامعه مسلمانان ترسیم کرده از همیشه بیشتر است.

۵۱. آیت الله خامنه ای، بیانات ۷۴/۳/۳

اگر امت اسلامی در دو قرن گذشته دچار فروپاشی و هزیمت در برابر تمدن مادی غرب و مکتب های الحادی از هر دو نوع چپ و راست بود اکنون در قرن پانزدهم هجری این مکاتب سیاسی و اقتصادی غرب اند که پا در گل و دچار ضعف و فروپاشی و هزیمتند و اسلام با بیداری مسلمانان و بازیافت هویت خویش و وابسته شدن اندیشه توحیدی و منطق عدالت و معنویت دور تازه ای از شکوفایی و عزت خویش را آغاز کرده است کسانی که در گذشته نه چندان دور از آیه یاس می خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دینداری را در برابر هجوم تمدن قبل از دست رفته می پنداشتند امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می بیند و با زبان دل تصدیق می کند تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است.

نشانه این وعده تخلف ناپذیر در اولین و مهمترین مرحله پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد سربرآوردن این پدیده معجزه آسا درست در اوج هیاهو و اسلام ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی و آن گاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می شد دردنیای اسلام امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل ها پدید آورد هر چه زمان گذشته این استحکام بیشتر و آن امید ریشه دار تر شده است. در طول سه دهه ای که بر این ماجرا می گذرد خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا صحنه این هم آورد پیروزمندانه هستند، ما یک انقلاب اسلامی داشتیم بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی مرحله بعد تشکیل تمدن بین المللی اسلامی، امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار دادیم تا حدی دولت اسلامی را ایجاد کردیم ولی این کافی نیست باید به سمت زندگی علوی برویم رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می بستند و راه می رفتند امروز ما هم لنگ ببندیم و راه برویم باید روح زندگی علوی، یعنی عدالت تقوا و پارسایی پاکدامنی بی پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم و این اساس کار است در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد چون مشکل اساسی که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید کارآمدی در نگاه جهانی است چشم همه دنیا به کشور ما دوخته شده است که ببینند چقدر در شعارها و اصولی که پایه گذاری کرده ایم موفق هستیم اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پابندی خود را به ارزش ها و اصول خود عملاً نشان دهیم کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و

علمی و عزت و قدرت سیاسی برساند ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه تنها شرط تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می آموزد و «لا تهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان کتتم مومنین»^{۵۲} می آموزد «و الذین جاهدوا فینا...»^{۵۳} و می آموزد «اطیعوا الله و رسوله ولا تنازعوا سبلنا...»^{۵۴} اگر این شد، به فضل پروردگار در طول سال های آینده و ده ها سال آینده چنان بنای دولت و تمدن رفیعی در اینجا و بسی جاهای دیگر شالوده ریزی خواهد شد و چنان عظمتی از اسلام و مسلمین آشکار خواهد شد که دیگر حقیقتی و واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند و دیگر استکباری وجود نخواهد داشت با امید و توکل بر حضرت حق و با استعانت و امداد از حضرت بقیه الله به سوی یک تمدن عظیم و بین المللی و جهانی خواهیم رفت.^{۵۵}

وظایف دولت اسلامی

زمانی که از وظایف دولت اسلامی صحبت به میان می آید در حقیقت کارکرد های دولت اسلامی را می خواهیم مشخص نماییم ، که در ادامه بحث به آن می پردازیم.

وظایف تربیتی

از بیانات مقام معظم رهبری چندی استنباط می شود که حکومت ها و در ذیل آن دولت اسلامی نباید نسبت به تربیت معنوی افراد تحت حاکمیتشان بی تفاوت باشند. در نگاه ایشان حکومت همچون خانواده است که در زمینه معنویت و رشد فضیلت های اخلاقی اعضای خود مسئولیت هایی دارد^{۵۶}. و در این زمینه مسئولان را به برنامه ریزی برای رشد اخلاقیات جوانان رهنمون کرده و خطاب به مسئولان می فرماید: «به جوانان ما مناعت طبع و عفت اخلاقی و اطمینان به نفس و اعتماد به خود و صداقت و شجاعت بیاموزید؛ در آن ها اراده پولادین و انضباط اجتماعی و وجدان کاری به وجود آورید؛ بعد هم برایشان برنامه ریزی کنید. این کارها شدنی است»^{۵۷}. ایشان در پاسخ به شبهه ای که آیا دولت وظیفه ای در رساندن مردم به بهشت دارد به صراحت نظر مثبت می دهند و تفاوت حاکم اسلامی را با دیگر حکام در همین مسئله می دانند که حاکم اسلامی می خواهد کاری کند

۵۲. آل عمران، ۱۳۹

۵۳. عنکبوت، ۶۹

۵۴. انفال، ۴۶

۵۵. آیت الله خامنه ای، بیانات، ۸۳/۸/۶

۵۶. آیت الله خامنه ای، بیانات ۱۵/ ۱۱/ ۱۳۸۱

۵۷. آیت الله خامنه ای، بیانات ۱۲/ ۰۲/ ۱۳۸۰

که مردم به بهشت و سعادت حقیقی و آخروی برسند. و با توجه به فطری بودن تمایل انسان ها به سعادت، دولت اسلامی را موظف می دانند که در این راستا، روند امور را تسهیل کند. البته این هدایت نباید ملازم با فشار و تحمیل باشد و این وظیفه ریشه در سیره امیرالمؤمنین (ع) دارد^{۵۸}.

وظایف اقتصادی

در دیدگاه آیت الله خامنه ای وظایف اقتصادی دولت و پرداختن به امور اقتصادی مردم از اوجب واجبات حکومت هاست که باید مورد اهتمام قرار گیرد^{۵۹}. آیت الله خامنه ای تأکید دارند که باید اصول اقتصادی مدنظر امام (ره) استخراج و عملیاتی شوند. ایشان برخی از اصول واضح در فرمایشات امام (ره) را استقلال در اقتصاد ملی، تکیه به خودکفائی، عدالت اقتصادی در تولید و توزیع، دفاع از طبقات محروم، مقابله با فرهنگ ظالمانه سرمایه داری و احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار، هضم نشدن در اقتصاد جهانی برمی شمارند^{۶۰}. همچنین در راستای این اصول، دولت را به ایجاد اشتغال، مبارزه با فساد و باز کردن گره های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور ملزم کرده اند^{۶۱}. در سال های اخیر با توجه به اهمیت مسائل اقتصادی و چالش هایی که جمهوری اسلامی با آن ها روبرو بوده است، رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی به عنوان یک تکلیف تأکید کرده اند. ایشان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی را تقویت تولید داخلی بیان می کنند^{۶۲}.

وظایف فرهنگی

در اندیشه مقام معظم رهبری دولت اسلامی علاوه بر وظایف فوق الذکر، وظایف فرهنگی را نیز برعهده دارد. ایشان در این رابطه می فرمایند: «آیا ما به عنوان دولت اسلامی می توانیم هدایت فرهنگی جامعه خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظائف ماست»^{۶۳}. و در این راستا صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش را دستگاه های خدماتی هدایتی حکومت قلمداد می کنند که باید از ابزارهای هدایت بهره

۵۸. آیت الله خامنه ای، بیانات ۲۳/ ۰۲/ ۱۳۹۳

۵۹. آیت الله خامنه ای، بیانات ۲۸/ ۰۲/ ۱۳۸۰

۶۰. آیت الله خامنه ای، بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۲؛ و همچنین نک: امام خمینی، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۳

۶۱. آیت الله خامنه ای، بیانات ۱۱/ ۰۲/ ۱۳۸۱

۶۲. آیت الله خامنه ای، بیانات ۰۹/ ۰۲/ ۱۳۹۴

۶۳. آیت الله خامنه ای، بیانات ۱۶/ ۰۶/ ۱۳۸۸

بگیرند تا مردم متدین بار بیایند و به مبانی دینی معتقد بشوند^{۶۴}. در واقع وظیفه دولت در این امر را بسترسازی لازم برای سریان و جریان اندیشه درست و اخلاق فاضله در کشور می دانند^{۶۵}.

وظایف سیاسی

اهتمام دولت اسلامی به حقوق سیاسی مردم و تلاش برای ایفای حقوق شهروند از جمله وظایف سیاسی می باشد. در عرصه سیاست خارجی، اصل مورد تأکید مقام معظم رهبری که دولت اسلامی باید به آن پایبند باشد اصل «أَشَدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ وَ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. در واقع این اصل ریشه در تفکر امام خمینی (ره) دارد^{۶۶} و از قرآن و سنت نبوی گرفته شده است. طبق این اصل دولت اسلامی با دشمنان و استکبار سر آشتی نداشته و با برادران مسلمان بنای بر دوستی و برادری دارد. و پابندی نظام جمهوری اسلامی به دفاع از مظلوم صرف نظر از دین و آیین او، از جمله دفاع از جبهه مقاومت شیعه در لبنان و همچنین حمایت از مقاومت فلسطینیان سنی را خاطر نشان می کنند^{۶۷}.

وظایف امنیتی

امنیت در همه حکومت ها و نظام های سیاسی از نیازهای اساسی است زیرا وجود آن باعث استحکام و استمرار جامعه می شود. در دیدگاه مقام معظم رهبری برقراری امنیت در همه ابعاد آن بر عهده دولت اسلامی است: «امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی جزو وظایف ما است؛ جزو وظایف جمهوری اسلامی است؛ نمی توانیم اینها را رها کنیم»^{۶۸}.

وظایف اجتماعی

از آن جا که وظایف اجتماعی گستره وسیع و مباحث فراوانی را در بر می گیرد، وظایف اجتماعی دولت اسلامی از نظر آیت الله خامنه ای را می توان چنین بیان کرد: گسترش علم، دانایی و آزاداندیشی^{۶۹}، نهادینه کردن

۶۴. آیت الله خامنه ای، بیانات ۱۶/ ۰۶/ ۱۳۸۸

۶۵. آیت الله خامنه ای، بیانات ۰۹/ ۰۴/ ۱۳۸۶

۶۶. امام خمینی، روح الله، صحیفه، ج ۱۲، ص ۳۶۵

۶۷. آیت الله خامنه ای، بیانات ۲۶/ ۰۵/ ۱۳۹۴

۶۸. آیت الله خامنه ای، بیانات ۰۶/ ۰۲/ ۱۳۹۴

۶۹. آیت الله خامنه ای، بیانات ۰۸/ ۰۶/ ۱۳۸۴

عدالت اجتماعی، طرف داری از محرومان و دوری از خوی اشرافی گری و تجمل گرایی^{۷۰}، صرفه جویی و جلوگیری از اسراف در سطح ملی و پرهیز جدی از مصرف بی رویه مانند انجام سفرهای بیهوده و تجملات اداره ها^{۷۱}.

جمع بندی و یافته های تحقیق

در دنیای صنعتی و به دور از معنویت امروز و نحوه اداره‌ی آن توسط حکام و دولت ها و همچنین نحوه‌ی زیست و حیات جامعه‌ی بشری، شاهد این حقیقت تلخ هستیم که هر فرد، ملت و حکومتی به فکر منافع شخصی، آبادانی و توسعه‌ی ظاهری کشور خویش و بکارگیری نهایت تلاش خود برای رسیدن به قدرت با دست اندازی به هر ابزاری است، تا برتری خود را نسبت به دیگران اعلام کند و همه‌ی کارها و اعمال خود را به پیشرفت و تمدن سازی نسبت دهد و در این راستا از تضییع حقوق هیچ فرد و اجتماعی فرو گذار نمی‌کند.

روز به روز در کنار پیشرفت صنعت و مادیات، در منجلابی از فسادها، بی حرمتی‌ها، ضلالت ها و گمراهی ها و دوری از انسانیت واقعی در حال غوطه ور شدن و نه تنها تمدنی را نساخته حتی برای آن هیچ الگویی را نیز تعریف نکرده است.

در این میان، تنها کشوری که اسلام را مبنای احکام و الگوی راه خود پذیرفته و در عمل، آن را آرمان نجات بخش معرفی کرده، ایران اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بار دیگر موج جدیدی از تمدن اسلامی را نوید داده است.

برای رسیدن به این تمدن اسلامی ابتدا باید مراحل دگرگونی و تحول در حوزه فردی و اجتماعی در کلام رهبری انقلاب را برشمرد، که شامل انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، و در آخر ایجاد تمدن نوین اسلامی است.

اما سوالی که اینجا مطرح می‌شود اینست که این دگرگونی و تحول چطور اتفاق می‌افتد و چگونه نوید بخش تمدنی از نوع اسلامی است، که در همه‌ی عرصه‌ها و زمینه‌ها نمود پیدا می‌کند؟

۷۰. آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۹۴

۷۱. آیت الله خامنه‌ای، بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۸

تمدنی که هم رشد متعالی و الهی انسان را در بر بگیرد و هم روند رشد جامعه به سوی آزادی، عدالت، استقلال و پیشرفت اسلامی باشد که همان مکتب انسان ساز است. بر اساس منویات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید ابتدا انقلاب اسلامی سپس نظام و دولت اسلامی، را پی ریزی کرد و بعد از آن نوبت به مرحله اسلامی کردن کشور می رسد که برای محقق شدن این امر باید از وظایف فردی به عنوان یک شهروند در جامعه، و از وظایف یک حکومت که برگرفته از ایدئولوژی فکری و مکتب دینی اوست، شناخت کافی و وافی داشت. این شناخت شامل مراحل پنج گانه ای است که در تنظیم پایه های حکومت و دولت اسلامی و اداره جامعه بسیار اهمیت دارد که در بیانات معظم له به آن اشاره شده است:

توحید

خدا شناسی و توحید الهی، رکن و محور اساسی منظومه فکری رهبری است، اعتقاد به خدایی که گردآورنده ی همه ی کائنات و هر آنچه که در آن قرار گرفته است و نظم حاکم در آنها نیز حاکی از وجود آن ناظم است و اساسا حکومت الهی که برگرفته از توحید است باعث اعتلای کلمه الله و باعث حاکم کردن ارزش های الهی و اسلامی می شود.

تکریم انسان (انسان محوری در بینش اسلامی)

انسان موجودی است که از جایگاه رفیع و منزلت والایی در نظام خلقت برخوردار است، و از جانب خداوند این چنین برگزیده شده که از روح خود در آن دمیده است. در واقع انسان خلاصه و عصاره عالم وجود است، همه حقایق عوالم غیب و شهود که در نظام هستی وجود دارد در انسان قرار داده شده است. البته باید توجه کرد که انسان بالفعل از چنین جایگاه رفیعی برخوردار نیست، بلکه قوه و استعداد رسیدن به آن را دارد و برای رسیدن به آن باید به مقام خلیفه الهی برسد. نقش پیامبران و اساسا حکومت الهی برای به فعلیت رساندن این صفات است.

تدوam حیات پس از مرگ

از مهم ترین محورهای تنظیم روابط در زندگی فردی و اجتماعی است نوع شناخت جهان تاثیر بسزایی در نوع نگرش به نظام های اجتماعی و نحوه تعامل و زندگی اجتماعی دارد. اگر انسان جهان را منحصر در عالم ماده و حس بداند، روابط را هم بر اساس همین نگاه تنظیم و برای آن قوانین وضع می کند. بدون نگاه به سعادت

اخروی انسان، در چنین جامعه ای شاهد بحران شخصیتی انسان، بیماری های روحی و روانی، بحران خانواده، عدم امنیت اجتماعی... هستیم. اما اگر نگاه انسان دایره‌ی گسترده ای داشته باشد که شامل جهان هستی و عوالم دیگر نیز هست، در تنظیم قوانین اجتماعی و روابط بین انسانها و حیات اجتماعی موثر خواهد بود.

حکومتی که قوانین الهی را مبدا و سرچشمه‌ی تدابیر و اداره‌ی امور خویش قرار دهد هم از بحران های انسانی معاصر به دور است هم سعادت اخروی جامعه‌ی خود را تامین می کند.

تکیه به استعداد بی پایان انسان

که اشاره به فطرت کمال جو و متعالی انسان دارد که سیری ناپذیر است. انسان ذاتا موجودی کمال جوست و همیشه به دنبال کمال مطلق است. اما غالبا در تشخیص کمال مطلق اشتباه می کند. برخی علم را کمال مطلق می دانند و برخی قدرت را.. در حالی که کمال مطلق خداست.

حرکت به سمت حاکمیت حق و رفتن به سمت صلاح (سوق و میل انسان و جامعه بشری به راه اصلی)

لازمه شناخت حاکمیت و جامعه مطلوب و میل به آن، در اختیار داشتن ویژگی ها و شاخصه هایی است که بیانگر خصوصیت مورد نظر و تمایز آن از سایر جوامع باشد. مهم ترین ویژگی های جامعه مطلوب در نگاه رهبری، حاکمیت احکام و قوانین اسلامی، عدالت، آزادی و استقلال، قانون مداری، معنویت و پیشرفت دائمی و مستمر نهادها و نظام های اقتصادی، سیاسی اجتماعی، مدیریتی... بر پایه‌ی اعتقادات اسلامی است.

زمانی که قوانین و احکام بر اساس مبانی و اصول بالا چیده و تنظیم شود، وظایف افراد و حکومت در آن مشخص و معین می شود که می توان در کلام رهبری مختصرا به آنها اشاره کرد:

- عبودیت و اطاعت خداوند
- تعالی انسان بالذاته و به دنبال آن رشد و تعالی دیگران
- عدم تعارض بین اهداف دنیوی و اخروی و ترجیح فلاح و رستگاری اخروی در صورت تعارض
- مجاهدت و مبارزه استوار و همه جانبه
- امید و دلگرمی به پیروزی حق در همه‌ی شرایط

تشکیل دولت اسلامی و رسیدن به تمدن اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امامین انقلاب توحید محور است، توحیدی که نه تنها در قلب به آن اذعان شده باشد، بلکه تمام ساحت وجودی انسان را چه در بعد فردی و چه

در بعد اجتماعی در برگیرد. و این توحید همه جانبه شامل همه‌ی حوزه‌های آزادی، عدالت، استقلال، دانش و قدرت، و سیاست و فرهنگ... نیز می‌شود.

منابع

- قرآن کریم
- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، چ ۲۱، ۱۳۹۱
- حجازی فخرالدین، نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران، بعثت، ۱۳۷۹
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، به سوی دولت اسلامی، رهنمودهای حضرت آیت الله خامنه‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۵۸
- منصوری، جواد، فرهنگ، استقلال توسعه، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴
- عظیمی شوشتری، عباسعلی، اهداف و وظایف کلی در اسلام، معرفت سیاسی، ۱۳۸۸
- خاگرد، شکرالله، سیر تمدن اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰
- سن آمارتیا، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، تهران، سحاب، ۱۳۸۱
- هیوود، اندرو، سیاست، تهران، نشر نی، چ سوم، ۱۳۹۲
- خسرو پناه، عبدالحسین، منظومه فکری امام خمینی (ره)، تهران، اندیشه، فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، ۱۳۹۵
- دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، اقبال، ۱۳۳۷
- خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری